زندگی قدس

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۹ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | ۵ نوامبر ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۳۸۳ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

علی مسعودی از آخرین وضعیت سریال نوروزی‌اش در سایه کرونا می‌گوید

تنها هدفم شادی مردم است

۱۲

نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۱ کدام فیلم خواهد بود؟

«خورشید» مجیدی یا «درخت» مهدویان؟

۱۲

روزمره نگاری

بیا جواب عکاس‌باشی را بده!

رقیه توسلی: منشی مطب، اسمی از روی دفترچه صدا می‌زند که چشم‌هایم را ناخودآگاه کارآگاه می‌کند.

رو می‌گردانم سمت خانومی که از ته سالن بلند می‌شود.

از دور، از پشـــت ماسک و بعدِ سال‌ها می‌شناسمش. خودِ خودش است. «حنا دست طلا».

کار از کار می‌گذرد و حالم می‌شود حالِ اسلوموشن فیلم‌ها. شورگرفته، پرتاب می‌شوم به گذشته. پشت تور والیبال. مشخصاً به لحظاتی که او خلق می‌کرد. قرقی‌وار کنده می‌شـــد از زمین و توپ را در طرفه‌العینی می‌کاشت توی خانه حریف و آن‌وقت شـــادی معروفـــش را رو می‌کرد. همان‌که کف ســـالن دراز می‌کشید و برای چند ثانیه فقط چشم‌هایش را می‌دوخت به سقف.

«دســـت طلا» می‌رسد پشـــت کانتر. نگاهش می‌کنم. چشـــم‌های مهربان کودکانه‌اش حالا بزرگ شده‌اند. به دستانش هم نگاه می‌کنم.

انگار عکاسی توی سرم ایستاده و دارد فریم فریم نگاتیو آن دوران را می‌گذارد توی تشت ظهور و ثبوت. خیلی هم عجول است.

دستپاچه بلند می‌شوم. جناب عکاس اما بی‌خیال نمی‌شود و همچنان سرگرم رو کردن خاطرات است. بافاصله کنارش قرار می‌گیرم و می‌گویم: سلام همکلاسی! به‌جا نمی‌آورد.

صغری کبری نمی‌چینم و می‌روم ســـراغ آدرس سرراست... سراغ حنا دست طلا... مدرسه حکمت.

سر تکان می‌دهد و تَر می‌شود نگاهش و آهسته ابراز لطف می‌کند. اما توضیح می‌دهد برای مشـــورت دارویی خواهرش با پزشـــک آمده. او موناست، خواهر یک‌سال بزرگ‌تر. می‌گوید حنا سال‌هاســـت که ورزشکار نیست... دست طلا نیست... بیماری عوضش کرده... سکته‌های مکرری که داشته.

گلویم خشک خشک می‌شـــود. عکاس‌باشی هم نفس‌های بلند می‌کشد و وا می‌دهد.

مفصل بهم می‌ریزم... صدای والیبالیست‌ها اما از دور می‌آید... صدای پاسور... مربی که فریاد می‌کشد کدام سمت خالی نباشد... هورای تماشاچی‌ها... سرویس‌هایی که بیرون می‌نشیند... لیبروی خنده رو... و صدای اسپک‌های حنا دست طلا.

دوست‌نوشـــت: «حنا رضایی‌نژاد» هیچ‌وقت به اندازه امروز دلم از تو امتیاز نمی‌خواهـــد... گل زدن نمی‌خواهد... لطفاً تیم را نجات بده. انتظار ندارم تور را دوباره فتح کنی، فقط مثل آن‌وقت‌ها قهرمان باش... نباز... چشم‌هایت را بدوز به سقف.

ورزش

۱۰ ۱۱

گزارش کوتاه به مناسبت پانزدهمین انتقال محمد قاضی در فوتبال ایران

مارکوپولوهای لیگ برتر

به بهانه آغاز دوباره لیگ برتر در ایران

از مربیان بی‌مدرک تا قهرمانان اجاره‌نشین

نگاهی به وضعیت شهرخودرو در شروع لیگ بیستم

شهری میان زمین و آسمان

هفتوانه

فرم و محتوا

محسن ذوالفقاری

جمعه: غروب جمعه حســـابی دل اهل منزل گرفته بود. بـــرادر کوچک‌ترم پیشنهاد کرد حالا که دلمان گرفته زیارت عاشورا بخوانیم. خودش هم کتاب دعا آورد و شـــروع کرد به خواندن. یک نفر هم آخر مجلس، روضه کوتاه و با حالی خواند. روضه هم بدون چای نمی‌شـــود. بقیـــه را نمی‌دانم اما من وقتی داشـــتم چای این روضه خانوادگی را جرعه جرعه می‌خوردم، احساس کردم وجد و شـــادمانی دارد به رگ‌هایم می‌ریزد. بعد از جلسه برای عاقبت بخیری داداش کوچیکه خیلی دعا کردم.

شنبه: تازه سوار تاکسی شده بودم که صدای اذان هم از گلدسته‌های مسجد بلند شـــد. مسافر تاکسی با خنده نیشداری گفت: «اینایی که دارن با عجله میرن برای نماز، مؤمنان از ما بهترونن لابد... ما که الان میریم مغازه‌هامونو باز کنیم لابد مؤمن نیستیم». راننده پرسید: «شما الان داری میری سرکار؟ شغلت چیه؟!» جواب داد: «آره داداش! الان میرم که کرکره دکان رو بکشم بالا»! وقتی داشت از ماشین پیاده می‌شد، راننده گفت: «کاسب حبیب خدا! اینکه دیر بیای و کرکره دکونت رو صلات ظهر بدی بالا به خودت مربوطه ولی فکر کنم حق نداری به اونایی که نماز اول وقت می‌خونن تیکه بندازی...!»

یکشنبه: امروز بعد از مدت‌ها به دیدن یکی از اقوام رفتم. بعد از سلام و احوالپرسی گله کردند که چرا این‌قدر دیر جویای احوالشـــان شدم. طبق معمول کرونا را بهانه کردم که گفتند: «یک مادربزرگی داشـــتیم بهش می‌گفتیم بی بی... وقتی تلفن اومد اول از همه خودش رفت خرید و خطشـــو وصل کرد و همه مارو مجبور کرد بریم بخریم... می‌گفت شما که هر روز نمیایین!... بذارید حداقل هر روز صداتون رو بشنوم...». مثالی که زدند من را از خجالت آب کرد.

دوشنبه: در ادامه بحثی که با یکی از نوجوانان محله‌مان از هفته پیش داشتیم در مورد فرم و محتوا دوباره گپی زدیم. می‌گفت این دفعه فقط شما یک مثال بزن که فرم هم مثل محتوا مهمه من دیگه حرف نمی‌زنم. گفتم: «شما تو آفتابه چایی می‌ریزی ببری بـــرای خودتون یا مهمون؟!» آمد چیزی بگوید گفتم قول دادی اگه مثال زدم چیزی نگی! گفت به‌خدا فقط می‌خواســـتم بگم تسلیمم. با تشر گفتم: «هنوز زوده برای تسلیم شدن باید بری مطالعه کنی و برای دفعه بعد که می‌بینمت آماده‌تر بشی».

سه‌شـــنبه: روز ولادت حضرت رســـول(ص) به طور اتفاقی با شعری از محمود شبستری مواجه و میخکوب شدم: «ز احمد تا احد یک میم فرق است / جهانی اندر این یک میم غرق است». این یک بیت را چندین و چندبار خواندم و به ذوق آمدم و شب را به صبح رســـاندم و اندر خم همین یک میم غرق بودم. دوست دارم یک کتاب مفصل در توضیح همین یک بیت بخوانم و فهم کنم و عشقم به رسول‌الله(ص) فزاینده شود.

چهارشنبه: کتاب «حاج آخوند» را کم کم می‌خوانم. بدون هیچ عجله‌ای. مثل بقیه کتاب‌ها از تکنیک تندخوانی استفاده نمی‌کنم. گاهی یک خاطره را چند بار می‌خوانم و بعد کتاب را می‌بندم و تفکر می‌کنم. در دل یکی از خاطرات شـــعری با شرح آن آمده است که حسابی به روح و جانم چسبید: «در بهاران کی شود سرسبز سنگ / خاک شو تا گل برویی رنگ رنگ / سال‌ها تو سنگ بودی دلخراش / آزمون را یک زمانی خاک باش. خاک سبک است. با نسیمی به هوا می‌رود. ریشه‌ها در جانش فرو می‌روند. باران را مزه‌مزه می‌کند و می‌نوشد. بعد چشمه‌ها از دلش می‌جوشد. دل آدم باید مثل خاک باشد، نرم نرم! تا از دل آدم گل بروید...».

سلبریتی‌های آمریکایی چطور مردم را به پای صندوق‌های رأی می‌کشانند؟

تله عطش

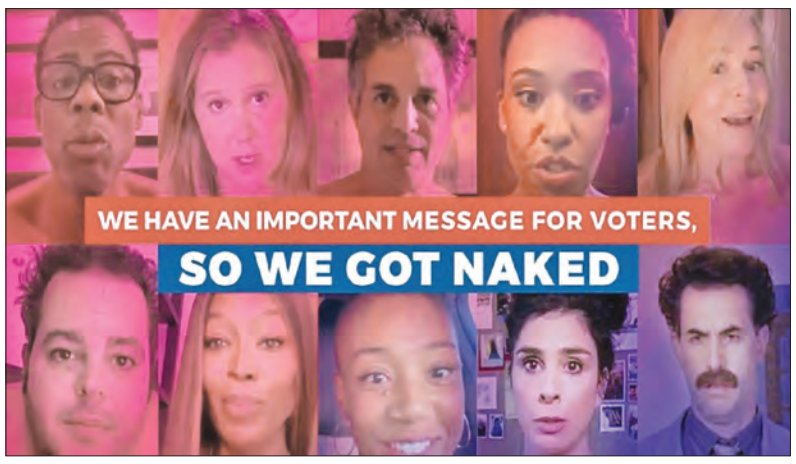

محمد تربت‌زاده | فضای مجازی این روزها پر اســـت از پند و اندرزهـــای انتخاباتی! فارغ از هرگونه تخصص و صلاحیت، هر کس که تریبونی در فضای مجازی در اختیار دارد، شروع به انتشار تحلیل‌های شخصی‌اش از انتخابات آمریکا کرده است! در میان این همه تحلیل، برخی از به اصطلاح تحلیلگران، ســـلبریتی‌های آمریکایی را حسابی توی سر سلبریتی‌های خودمان زده و تأکید کرده‌اند در جامعه آمریکا هیچ سلبریتی‌ای بازیچه سیاست نشده و برای هیچ نامزدی گریبان چاک نمی‌دهد، از این رو بهتر است سلبریتی‌های ما از سلبریتی‌های آمریکایی یاد بگیرند و مردم ایران هم مثل مردم آمریکا، کمتر بازیچه دســـت سلبریتی‌هاشوند!

سرشون تو کار خودشونه؟

مثلاً کاربری که حسابی تحت تأثیر انتخابات آمریکا قرار گرفته، نوشته اســـت:«اون‌طرف سلبریتی‌ها سرشون تو کار خودشـــونه، تازه اگه حرفی هم بزنند کســـی به نظر سیاسی‌شون اهمیت نمی‌ده اما اینجا امیرمهدی ژوله یه پست می‌ذاره یک میلیون نفر به‌خاطرش پا میشن میرن رأی می‌دن».

اگرچـــه نمی‌تـــوان نقـــش ســـلبریتی‌ها در انتخابـــات ریاست جمهوری سال ۹۶ را نادیده گرفت اما قبول کنید بررسی دلایل جامعه‌شناختی آن نیازمند تحقیقات علمی کامل توسط متخصصان است. با وجود این، سؤال اصلی اینجاست که آیا سلبریتی‌های آمریکایی واقعاً نقشی در آرای مردم و یا حتی به پای صندوق آوردن آنان ندارند؟

تابوشکنی به سبک سلبریتی‌ها

برخلاف تصور خیلی‌هایمان، سلبریتی‌های آمریکایی به قدری در انتخابات این کشـــور نقش دارند که «هالیوود ریپورتر» گزارش مفصلی از اقدام‌های عجیب و غریب آن‌ها برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی تهیه کرده است. محور اصلی گزارش این رسانه آمریکایی «برهنگی» است! هالیوود ریپورتر با بررسی رفتار سلبریتی‌ها در چند ماه منتهی به انتخابات به این نتیجه رسیده سلبریتی‌ها اگر وارد مباحث سیاسی شـــوند، بازی را باخته‌اند، چون مردم ترجیح می‌دهند به توصیه‌های سیاسی کارشناسان باســـواد گوش کنند نه به صحبت‌های آبکی سلبریتی‌ها. به همین دلیل سلبریتی‌های محترم به روش‌های جدید و غیرمســـتقیم برای کشـــاندن مردم به پای صندوق رو آورده‌اند. روش‌هایی مانند انتشار تصاویر برهنه از خودشان یا پرداختن به مسائل جنسی و تابوشکنانه در صفحه‌های مجازی‌شان!

حواسم پرت شد!

«تله عطش» لقبی است که رسانه‌ها به شیوه سلبریتی‌های آمریکایی برای کشـــاندن مردم به پای صندوق‌های رأی داده‌اند.

ماجرا از پست توییتری «کریس اوانز» شروع شد. چندی پیش او در یک اقدام عجیـــب و غریب تصویری از نقاط حســـاس بدنش را در توییتر به اشتراک گذاشت اما چند دقیقه بعد این پست را پاک کرد. در همین مدت کوتاه اما پست توییتری او تبدیل به ترند توییتر شد! آقای اوانز ابتدا از مخاطبان عذرخواهی کرده و اعلام کرد به دلیل حواس پرتی‌اش این تصاویر را به اشتراک گذاشته است! در گام دوم و پس از آنکه همه توجه‌ها را به خودش جلب کرد و نامش را در صدر لیست اخبار فضای مجازی در سرتاسر جهان قرار داد با انتشار پستی جدید نوشت:«حالا که توجه را جلب کرده‌ام، سوم نوامبر رأی دهید!»

۳,۳ میلیون بازدید

کریـــس اوانز اما یکی از معدود ســـلبریتی‌هایی بود که به صورت غیرمســـتقیم برای کشـــاندن مردم به پای صندوق‌های رأی برهنه شد.

«دیپلـــو»، «مایکل بی جوردن»، «جـــرد لتو»، «دیوید انـــدرو بارد» و «اســـترلینگ کی بـــراون» اما از جمله چهره‌های شاخصی بودند که رسماً به کمپین برهنگی برای انتخابات پیوســـتند و با انتشـــار تصاویر برهنه از خودشـــان در فضای مجـــازی، از مردم خواســـتند در انتخابات شرکت کنند.

«دیوید اندرو بارد» خواننده و کمدین معروف آمریکایی در پســـتی که ۳.۳ میلیون بازدید داشـــت در حالی که فقط یک لنگه جوراب به پا داشـــت، از مردم خواســـت حتمـــاً در انتخابات آمریکا رأی دهند. نکته جالب آنکه همه این افراد روی تصاویر برهنه‌شان لینک مربوط به وب‌سایت رأی‌گیری آنلاین آمریکا را قرار داده‌اند!

حتماً رأی دهید!

این پایـــان اقدام‌های عجیب و غریب ســـلبریتی‌های آمریکایی برای کشاندن مردم به پای صندوق‌ها نبود. گروهی متشکل از ۹ ستاره زن و مرد ازجمله «کریس راک»، «امی شـــامر»، «جاش گد»، «سارا سیلورمن»، «مـــارک روفالـــو»، «نائومی کمپبـــل»، «رایان باته»، «چلسی هندلر» و «تیفانی هدیش» در یک ویدئو در یوتیوب با عنوان «این افراد مشهور برهنه پیام مهمی بـــرای رأی‌دهنـــدگان دارند» به صـــورت علنی اعلام کردند در ازای برهنه شـــدن از مخاطبان می‌خواهند رأی دهند!

این افراد حتی در قســـمتی از ویدئو به افراد ســـاکن هـــر ایالت آموزش می‌دهند چطـــور باید رأی دهند تا مسئولان نتوانند از رأی آن‌ها سوءاستفاده کنند.

پســـت دیگری با عنوان «رأی‌گیری ایمن خیلی خوب اســـت» با حضور «دایان گوئررو» هنرپیشه مجموعه تلویزیونـــی «دوم پاترول» (Doom Patrol)، اگرچه از ترفند برهنگی برای جذب مخاطب اســـتفاده نمی‌کند اما با به تصویر کشیدن اتاق خوابی با تزئینات جنسی و صحبت کردن درباره تابوهای جنســـی، از مخاطبش دعوت می‌کند در انتخابات پیش رو حتماً رأی دهد!

خط گیری از نهادهای حکومتی

جامعه‌شـــناس‌های آمریکایی در زمینه «تله عطش» می‌گویند این رفتار مدت‌هاســـت در تبلیغات استفاده می‌شـــود. آن‌ها برای نمونـــه، از کمپین‌های حمایت از حقوق حیوانـــات نام می‌برند که به طرفدارانشـــان می‌گویند برهنه بودن بهتر از پوشیدن لباس‌های چرم حیوانی است!

در ایـــن میان احتمالاً شـــاخ در می‌آورید اگر بفهمید برخی از ســـتادهای انتخاباتی در آمریکا، متخصصان ســـایت‌های بزرگسالان را به عنوان مشـــاور تبلیغاتی اســـتخدام کرده‌اند تا از طریق انتشار محتوای جنسی بتواننـــد برای نامزد مورد نظرشـــان رأی بخرند. البته ســـلبریتی‌هایی که به کمپین برهنگی برای انتخابات آمریکا پیوسته‌اند هیچ‌گاه از یک نامزد خاص حمایت نکرده‌انـــد. آن‌ها بـــه مردم می‌گویند مهم نیســـت به چه کســـی رأی دهند بلکه حضور صرفشـــان در پای صندوق‌هاست که اهمیت دارد.

موضوعی که ثابت می‌کند این کمپین بی‌شـــرمانه نه فقط از ســـتادهای انتخاباتی نامزدها بلکه از رده‌های بالای حکومتـــی خط می‌گیرد که تنها خواســـته‌اش شرکت گســـترده مردم آمریکا در انتخابات این کشور است.

حکایت امروز

طعم شیرین فرزندخواندگی

هیچ‌کداممان دســـت کرونا را نخوانده بودیم. ســـال قبـــل فکرش را هم نمی‌کردیم که تلفات روزانه این بیماری در کشـــورمان، ۴۰۰ نفر را هم رد کند. همان‌طور که نمی‌دانستیم چه رکود سنگینی را بر زندگی و اقتصاد ما تحمیل خواهد کرد. اما نادانسته‌هایمان فقط این‌ها نبود. احتمالاً کسی هم باور نمی‌کرد در این بلبشـــو و دشواری‌های کرونایی و زمانی که خانواده‌ها با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند، خبر خوبی هم در کار باشد و مثلاً آمار فرزندخواندگی در کشور افزایش چشمگیر پیدا کند. بخشی از گزارش« فارس پلاس» را بخوانید تا متوجه شوید چه می‌گوییم.

ســـعید بابایی، مدیر کل امور کودکان و نوجوانان ســـازمان بهزیســـتی می‌گوید: «از ابتدای ســـال ۹۹ تا این لحظه، ۷۵۰ کودک بی‌سرپرســـت بـــه فرزندخواندگی پذیرفته شـــدند. کودکان تنهایی کـــه زخم خورده آسیب‌های اجتماعی هستند و در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند».

اگر تصـــور می‌کنید همه خانواده‌های طالـــب فرزندخواندگی فقط برای جبران خلأ ناشـــی از ناباروری و نداشـــتن فرزند به ســـازمان بهزیستی مراجعه می‌کنند، سخت در اشتباهید. در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها برایشـــان مهم نیســـت کودکی که قرار اســـت آن را به فرزندخواندگی بپذیرند چه شـــکل و ظاهری داشته باشـــد. مهم نیست دختر بور چشم آبی یا پســـر موفرفری را به فرزندی بپذیرند. به گفته «بابایی» در چهار سال گذشـــته، خانواده‌های نیکوکار، ۶۰۲ کودک بی‌سرپرست معلول و ۷۹۷ کودک دارای بیماری خاص را به فرزندی پذیرفته‌اند. بســـیاری از این خانواده‌ها، خودشان فرزند دارند و بسیاری از این خانواده‌ها با اینکه فرزندی ندارند، با دید معنوی سراغ فرزندخواندگی می‌آیند و گرنه هیچ اهرم اجباری برای آنکه خانواده‌ای، فرزندی معلول یا دارای بیماری را به سرپرســـتی قبول کند وجود ندارد. بعضی از خانواده‌ها خواهان فرزندانی هســـتند که معلولیت شـــدید دارند و قادر به راه رفتن نیســـتند. حتی بعضـــی از خانواده‌ها کودکانی را برای سرپرســـتی انتخـــاب کرده‌اند که مشـــکلات و بیماری‌هـــای خاص و مزمن دارند. ایـــن حس نیکوکاری و احســـاس مسئولیت بســـیار ستودنی اســـت. حس کودک و حس پدر و مادر در روزی که قرار اســـت فرزندان را از بهزیستی تحویل بگیرند و به خانه ببرند دیدنی است. حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی هم در این باره گفته است: «امسال حدود ۱۳۰ کودک بی‌سرپرســـت فرزندخوانده خانم‌های مجرد بالای ۳۰ سال شدند...». در واقع اصلاح قانون فرزندخواندگی و تصویب لایحه جدید منجر به افزایش ۳۰ درصدی پذیرش فرزندخواندگی در ســـال‌های اخیر شـــده اســـت. واگذاری فرزند به خانواده‌های دارای اولاد، جایگزین‌های ارث، واگذاری فرزندخوانده به خانواده‌هایـــی که خارج از ایران زندگی می‌کنند، امکان فرزندخواندگی برای کودکان بالای ۱۲ سال از تغییرات دیگری است که در قانون فرزندخواندگی اعمال شـــده و اتفاقات خوبی را رقم زده است. راه اندازی ســـامانه اینترنتی فرزندخواندگی هم کار را برای خانواده‌هایی که متقاضی فرزندخواندگی هستند راحت‌تر کرده است و در مراحل اولیه نیازی به مراجعه به سازمان بهزیستی نیست.

رکورد شرم‌آور مارسی در لیگ قهرمانان

ورزش: پورتو سه‌شنبه شب علاوه بر کسب پیروزی که شانس نماینده پرتغال برای صعود به مرحله حذفی را افزایش داد، مسبب رقم خوردن یک آمار شرم‌آور برای مارسی شد. برد ۳ بر صفر تیمی که مهدی طارمی را در اختیار دارد، با دوازدهمین شکست متوالی مارسی در لیگ قهرمانان اروپا مصاف بود و شاگردان اندره ویلاش بوئاش را در آستانه حذفی زودهنگام از این رقابت‌ها قرار داد. این نتیجه پورتو را با ۶ امتیاز در رده دوم جدول گروه C و فاصله سه امتیازی منچسترسیتی صدرنشین قرار داد اما هواداران مارسی را بیش از پیش سرافکنده کرد.

محمد صلاح به رکورد استیون جرارد رسید

ورزش: محمد صلاح در سومین فصل حضورش در لیورپول، توانست به رکورد ستاره انگلیسی سابق این تیم استیون جرارد برسد. صلاح سه‌شنبه شب یکی از پنج گل برد تیمش در خانه آتالانتا را به ثمر رساند تا قرمزپوشان مرسی‌ساید سومین برد متوالی‌شان را در مرحله گروهی این فصل لیگ قهرمانان کسب کنند. صلاح با گلی که در این بازی زد به استیون جرارد به عنوان برترین گلزن لیورپول در جام باشگاه‌ها و لیگ قهرمانان اروپا رسید. او با ضربه پای چپش بیست‌وپنجمین گل خود در لیگ قهرمانان اروپا را به ثمر رساند.

عمل جراحی روی مغز مارادونا با موفقیت انجام شد

ورزش: پزشک دیه‌گو مارادونا اعلام کرد که عمل جراحی صورت گرفته روی مغز او برای برداشتن یک تومور موفقیت‌آمیز بوده است. مارادونا سه روز پیش به بیمارستان منتقل و برای انجام عمل جراحی بستری شده بود. لئوپولدو لوکه، پزشک شخصی مارادونا، پس از عمل جراحی گفت: «توانستم تومور را با موفقیت تخلیه کنم و دیه‌گو هم به خوبی زیر عمل طاقت آورد. وضعیت مارادونا تحت کنترل است. پروسه درمان امروز هم ادامه دارد و بخشی دیگر از آن را انجام خواهیم داد. به همین دلیل او باید در بیمارستان بماند و مرخص شدنش هم به این بستگی دارد که وضعیتش چگونه پیش برود».

گوارد یولا: وضعیتمان از فصل گذشته بهتر است

ورزش: سرمربی منچسترسیتی پس از کسب سومین برد متوالی در مرحله گروهی لیگ قهرمانان از وضعیت تیمش ابراز رضایت کرد. پپ گواردیولا می‌گوید: «فصل گذشته ما به اندازه کافی برای حضور در لیگ قهرمانان بازیکن آماده نداشتیم و مصدومیت‌ها کلوسمان شده بود. این هفته یک بازی بسیار خوب را دیدیم به خصوص از ناتان آکه در ابتدای مسابقه و همین‌طور از استونز در ادامه بازی؛ جان در سطحی باورنکردنی به ترکیب ما برگشته است و من می‌توانم بگویم که عملکردش تقریباً بی‌عیب و نقص بود. ارائه چنین عملکردی برای یک بازیکن که مدت زیادی از میادین دور بوده است، آسان نیست.

ضد حمله

نامه استقلال به فیفا؛ پنجره مان را باز کنید

ورزش: باشگاه استقلال با ارسال نامه ای به فدراسیون جهانی فوتبال خواهان باز شدن پنجره نقل و انتقالاتی این تیم شد.مسئولان باشگاه استقلال در روزهای گذشته توانستند مطالبات وینفرد شفر سرمربی آلمانی سابق خود را پرداخت کنند. از این رو استقلالی‌ها خواهان باز کردن پنجره‌شان هستند تا قرارداد بازیکنان جدید را به ثبت برسانند و از آن‌ها در لیگ بیستم استفاده کنند.

قرار بود وکیل شفر در نامه‌ای به فیفا اعلام کند که موکلش مطالبات خود را دریافت کرده، اما اختلاف چند هزار دلاری و درخواست برای پرداخت مطالبات سالنا شفر فرزند این مربی آلمانی باعث شد مسئولان استقلال خودشان این موضوع را به فیفا اعلام کنند.

غیبت احتمالی چهار ستاره تراکتور در افتتاحیه لیگ

ورزش: تی تی‌های شهر تبریز در حالی به مصاف نفت مسجدسلیمان خواهند رفت که چهار بازیکن این تیم به خاطر عدم توافق با تیم سابق خود دست‌کم تا الان نمی‌توانند به میدان بروند. سعید واسعی که هنوز کمیته تعیین وضعیت درباره‌اش تصمیم‌نگرفته، یکی از این بازیکنان است. همچنین باشگاه خوشه طلایی هم جلوی بازی محمد قنبری را گرفته تا این بازیکن نیز با منع قانونی مواجه باشد. از طرف هادی محمدی و حمید یوحمدان مشکلات مربوط به فسخ با دوب اهر را دارند. چک رضایت نامه آن ها هنوز پاس نشده و اگر تراکتور در روزهای آینده نتواند رضایت دوب‌اهر را جلب کند امکان استفاده از این دو را هم نخواهد داشت.

وضعیت نامشخص پیکان در آستانه لیگ بیستم

ورزش: در شرایطی که پیکان روز شنبه باید در آبادان به مصاف صنعت نفت برود، هنوز وضعیت نیمکت این تیم نامشخص است. کمیته فنی باشگاه پیکان در روزهای اخیر گزینه‌های زیادی را مدنظر قرار داده و به بررسی برنامه آن‌ها پرداخته است. فهرستی از مربیان تارنام، حمید استیلی، فراز کمالوند و هومن افاضلی از جمله مربیانی بودند که در این مدت به عنوان کاندیدای مربیگری این تیم مورد بررسی قرار گرفتند که البته حمید استیلی خیلی زود از این جمع کنار رفت و اعلام کرد قادر به پذیرش این پست نیست. شنیده می‌شود مهدی تارنار شانس زیادی برای هدایت پیکان دارد.

ضدعفونی کردن ورزشگاه آزادی در آستانه آغاز لیگ برتر فوتبال

ورزش: همزمان با آغاز بیستمین دوباره رقابت‌های لیگ برتر فوتبال و برگزاری دیدار تیم‌های استقلال و مس رفسنجان در ورزشگاه آزادی، صبح دیروز قسمت‌های مختلف این ورزشگاه شامل اتاق ناظران، داوران، رختکن تیم‌ها، جایگاه خبرنگاران، جایگاه‌های CIP و VIP و همین‌طور نیمکت‌های ذخیره به دلیل جلوگیری از شیوع ویروس کرونا با مواد ضدعفونی شستوشو و پلمپ شد تا مشکلی از این نظر برای بازیکنان و عوامل اجرایی پیش نیاید. فرایند ضد عفونی قسمت‌های مختلف ورزشگاه آزادی هر هفته پیش از میزبانی این ورزشگاه از مسابقات لیگ برتر انجام خواهد شد.

قلی‌زاده و محمدی نامزد بهترین لژیونر هفته گذشته فوتبال آسیا

ورزش: ویتکر و مدافع تیم ملی فوتبال کشورمان با درخشش در تیم‌های بلژیکی، در میان نامزدهای بهترین لژیونر فوتبال آسیا در هفته گذشته حضور دارند.

سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) مانند هفته‌های گذشته از کاربرانش خواست تا به بهترین لژیونر فوتبال آسیا در هفته قبل رأی بدهند که نام علی قلی‌زاده و میلاد محمدی در میان گزینه‌ها دیده می‌شود.

تساوی برنتفورد در شب بازگشت قدوس

ورزش: سامسه تب تیم برنتفورد که بر خلاف عقده گشته سامان قدوس را در ترکیب اصلی‌اش داشت در ورزشگاه خانگی‌اش رو در روی سولسی قرار گرفت که دو تیم در پایان ۹۰ دقیقه این مسابقه به تساوی یک - یک رسیدند.گل نخست این دیدار در دقیقه ۲۶ توسط ایوان تونی برای برنتفورد بدست آمد و سولسی هم با گل دقیقه ۷۷ آندره ایف از شکست گریخت.

قلعه نوعینی و بنیادی فر دوباره به هم رسیدند

ورزش: امیر قلعه‌نوعی سرمربی تیم گل گهر که در پنجره تابستانی نقل و انتقالات و پس از جدایی از سیاهان به این تیم پیوست فردا به مصاف تیم قبلی خود یعنی سیاهان خواهد رفت و این موضوع تنها نکته و تقابل جالب این بازی نیست و انتخاب موعود بنیادی فر از سوی کمیته داوران برای قضاوت این مسابقه از نکات جالب دیدار است. آخرین حضور قلعه‌نوعی روی نیمکت سیاهان مربوط به دیدار مقابل استقلال در چام حذفی بود که بازی را واگذار کرده و پس از آن از سمت خود استعفا داد. قلعه‌نوعی در جریان مسابقه به دلیل اعتراض به داور مسابقه که موعود بنیادی فر بود از کنار زمین اخراج شده و به سکوها رفت و پس از آن ویدیویی منتشر شد که در آن اعتراض شدیدی به قضاوت بنیادی فر داشت.

دردسر غایب‌های هفته اول برای پرسپولیس

ورزش: تیم فوتبال پرسپولیس در حالی لیگ برتر بیستم را آغاز می کند که بعدی و مهاجمان خود رنج می برد. گل محمدی تنها بازیکنانی که از این تیم رفتاند را دیگر در اختیار ندارد بلکه برای بازی با سایپا مشکل جدی از ناحیه مهاجم دارد. عیسی آل کثیر مهاجم گلزن پرسپولیس در لیگ قهرمانان آسیا با محرومیت از سوی AFC روبه‌رو است و نمی‌تواند سرخپوشان را در رقابت‌های داخلی نیز همراهی کند. آرمان رمضانی نیز دچار کشیدگی همسترینگ شده و به طور قطع بازی با سایپا را از دست داده است. آریا برزگر مهاجم جوان دیگری است که بدون اینکه برای این تیم در مدعای اخیر بازی کند مصدوم شده است و نمی‌تواند پرسپولیس را در موفقیت حساس کنونی همراهی کند. مهدی عبدی که عملکرد خوبی هم در خط حمله پرسپولیس داشته است تنها امید گل محمدی برای گلزنی به سایپا محسوب می‌شود.

جریمه ۳ هزار دلاری سپاهان

ورزش: کمیته انضباطی کنفدراسیون فوتبال آسیا باشگاه سپاهان را جریمه نقدی کرد. سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا امروز در جدیدترین آرا کمیته انضباطی لیگ قهرمانان ۲۰۲۰، باشگاه سپاهان را به دلیل زیرپا گذاشتن بند ۳۷ قوانین ۳ هزار دلار جریمه کرد. این مبلغ باید تا ۹۰ روز آینده پرداخت شود. در صورت تکرار این اقدامات خلاف قانون مجازات‌های شدیدتری برای سپاهان در لیگ قهرمانان آسیا سال‌های آینده درنظر گرفته می شود.

نگاهی به وضعیت شهرخودرو در شروع لیگ بیستم

شهری میان زمین و آسمان

امین غلامی‌نژاد: شهرخودرو در دومین سال حضور رسمی در لیگ برتر حال و روز متفاوتی را تجربه می‌کند. این تیم که در حضور نوبرانه مشهدی‌ها در آسیا هیچ توفیقی بدست نیاورد و به شکلی تحقیرآمیز به خانه برگشت، برای فصل بیستم لیگ برتر هم رنگ و بویی از مدعی بودن ندارد. آن‌ها که سال پیش با پنج سرمربی رکورد زدند و با از دست دادن سهمیه و تایب قهرمانی به پایان فصل رسیدن حالا با رحمتی بدون مدرک! می‌خواهند روزگار جدیدی را تجربه کنند.

تیم بی‌ستاره

نوسان‌های بازار ارز و قیمت‌های نجومی بازیکنان سبب شد شهرخودرو خالی از ستاره‌ها شود و البته نتواند ستاره نام آشنایی را هم جذب کند. حمیداوی ، به عنوان مالک باشگاه هرهاریکنی را که می‌توانست پول رفاه‌نیامه درشت بدهد به خدا سپرد و برای خرید بازیکنان گران‌قیمت هم پا پیش نگذاشت. این نوع رفتار برای بخش خصوصی طبیعی است و نمی‌توان به آن خرده ای گرفت.

خلعتبری،قاضی،مرادمند، سرلک و... رفتند و جوانانی گمنام به تیم پیوستند. رحمتی نیز بدون مدرک مربیگری به عنوان بازیکن وارد لیگ می‌شود تا یک سهمیه این تیم بدین ترتیب بسوزد.

مرموز و بی ادعا

دروازه بان کهنه کار قوتبال ایران البته زرنگ تر از این حرف‌ها بود که با این تیم حتی پس از سه سال هم قول قهرمانی بدهد. او نیک می‌داند که در رقابت با تیم‌هایی چون استقلال، پرسپولیس، سپاهان و تراکتور که دو جیبش بازیکن با کیفیت دارند، نمی‌تواند اعتبار خودش را با وعده واهی به باد دهد. با این حال ناشناخته بودن ترکیب شهرخودرو در این فصل نسبت به فصول گذشته نقطه روشن تیم مشهدی است.

شهرخودرو این هفته و با شروع لیگ برتر در حالی به مصاف ماشین سازی می‌رود که تیمی برای میانه‌های جدول است که به‌طور حتم با حضور تماشاگران می‌توانست باز هم موی دماغ بزرگان شود. مشهد همه گاه به واسطه حضور تماشاگران پرتعداد در فصول اخیر باتلاق غول‌ها بوده است که ایسن فصل در غیبت یار دوازدهم داستان متفاوتی برای میهمانان دارد.

هواداران مشهدی هم نیک می‌دانند که از تیمشان باید به اندازه بضاعتش توقع داشته باشند و نه بیشتر. در جدول نقل و انتقالات لیگ برتر تا این لحظه وضعیت ورودی و خروجی شهرخودرو به شرح زیر است و گفتنی است که هنوز بازار نقل و انتقالات تمام نشده است.

بازیکنان ورودی: احمد الجبوری، امیرحسین کریمی، رحمان جعفری، صادق صادقی، بابااحمدی، عرفان معصومی، میلاد فراهانی، سعید جلالی (رادا احتمالاً).

بازیکنان خروجی: محمدحسین مرادمند، میلاد سرلک، فرشاد فرجی (احتمالاً)، امین قاسمی‌نژاد (احتمالاً)، علی نبی‌زاده، محمدرضا خلعتبری، سعید صادقی، محمد آقاجانپور و محمد قاضی.

گزارش کوتاه به مناسبت پانزدهمین انتقال محمد قاضی در فوتبال ایران

مارکوپولوهای لیگ برتر

ورزش: محمد قاضی با پیوستن به مس رفسنجان به جمع مارکوپولوهای فوتبال ایران اضافه شد. به گزارش ایلنا، بحث وفاداری به پیراهن یک تیم فوتبال برای بازیکنان همیشه یک چالش و رویکرد ویژه بوده که بعضاً از سوی علاقه مندان به فوتبال با آن سنجیده می‌شوند و معمولاً تیفوسی‌های تیم‌های مختلف فوتبال دنیا بازیکنان وفادار تیم محبوبشان را مقابل آن‌هایی که پیشرفت مالی و فنی را ترجیح داده و جدا شدند قرار می‌دهند و آن‌ها را زیر سؤال می‌برند.

روز گذشته محمد قاضی با قراردادی که با مس رفسنجان بست دهمین تیم لیگ برتری خودش را تجربه کرد و پانزدهمین جابه‌جایی در فوتبال را ثبت کرد تا از این نظر به جمع رکوردداران اضافه شود.

به این بهانه به معرفی مارکوپولوهای فوتبال ایران پرداختیم.

سید مهدی سیدصالحی

شاید اولین کسی بود که لقب مارکوپولو در فوتبال ایران را به خود اختصاص داد و هنوز هم با این نام شناخته می‌شود. سید صالحی فوتبالش را از بانک تجارت تهران شروع کرد و سپس به راه آهن رفت.

تیم بعدی او سیاهان بود که هفت سال در آن به صورت مداوم حضور داشت و این طولانی ترین دوران حضورش در یک تیم محسوب می‌شود. او در پیکان، سایپا، گسترش فولاد، تراکتور، استقلال، پرسپولیس و استقلال خوزستان هم توپ زد. سید صالحی مجموعاً در ۱۰ تیم بازی کرده و ۱۵ جابه‌جایی داشته است.

فرزاد حاتمی

حاتمی در مجموع ۱۴ تیم مختلف را تجربه کرده و ۱۵ بار جابه‌جا شده است. کارش را از راه آهن تهران شروع کرد و در تیم‌های سیاهان، استقلال، پرسپولیس، تراکتور، صبای قم، فولاد، مس کرمان، بادران، نفت مسجد سلیمان، قبله آذربایجان، صبای قم، پارس جم، اکسین و ملوان توپ زده است. حاتمی یک رکورد بی‌نظیر دارد و این است که هیچ‌گاه دو فصل کامل به صورت پیاپی در هیچ تیمی توپ نزده است.

قاسم دهنوی

دهنوی در ۱۰ تیم مختلف توپ زده و ۱۰ بار جابه‌جایی را تجربه کرده است. او کارش را از برق شیراز شروع کرد و سه سال در این تیم بود بعد سه هما رفت. او در مس رفسنجان، مس کرمان، تراکتور، پرسپولیس، ذوب آهن، صبای قم و خوشه به خوشه توپ زده است.

میلاد زبیدوپور

با ۱۸ تیم مختلف در دوران فوتبالش به نوعی رکوردار است که البته بودند. زبیدوپور برخلاف سایر نفرات این فهرست با وجود سابقه بازی در تیم‌های زیاد هرگز رنگ پیراهن سرخ‌های پایتخت را ندیده است. او در فولاد، سایپا، پیکان، راه آهن، استیل آذین، دامان، سپاهان، پیکان، ملوان، ذوب آهن، نفت مسجد سلیمان، راه آهن و گسترش فولاد توپ زده است. زبیدوپور همچنین در ارپیل عراق، ارمی بوتاند، مادورا بوتاند اندونزی، یوکی‌ام و سارالوک بوتاند توپ زده است.

محمد غلامی

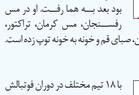

او هم با بازی در ۱۴ تیم در بین مارکوپولوهای فوتبال ایران قرار دارد. غلامی از چوکای تاش شروع کرد و پس از آن به ملوان رفت. پاس، استیل آذین، دامان، سپاهان، راه آهن، پدیده، استقلال اهواز، خونه به خونه، گل گهر، سیمرود و آلومینیوم اراک سایر تیم‌هایی بودند که غلامی در آن در خط حمله بازی کرده است.

محمد قاضی

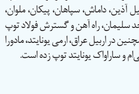

مارکوپولوی جدید فوتبال ایران که روز گذشته به مس رفسنجان پیوست تا در بین رکوردداران تغییر تیم در فوتبال ایران شناخته شود. مس رفسنجان دوازدهمین تیم محمد قاضی است و ۱۵ جابه‌جایی از سوی او یک عددی است که کمتر کسی می‌تواند به آن دست یابد. او از فجر سیاسی شروع کرد، به عقاب رفت و هما، فولاد، ذوب آهن، پرسپولیس، استقلال، فولاد، صبا، نفت تهران، شهر خودرو، نفت تهران، پیکان، نساجی و بالاخره مس رفسنجان از تیم‌های قاضی تا به امروز بودند.

به بهانه آغاز دوباره لیگ برتر در ایران

از مربیان بی‌مدرک تا قهرمانان اجاره‌نشین

سینا حسینی: زنگ آغاز لیگ بیستم امروز به صدا در می‌آید تا لیگ به اصطلاح حرفه‌ای ایران وارد دومین دهه از دوران حیات خود شود. هرچند این مسابقات جذابیت‌های فراوانی برای اهالی فوتبال دارد، اما به همان میزان انتقادهای فراوانی به شکل و شمایل برگزاری این رقابت‌ها وجود دارد تا همچنان لیگ فوتبال باشگاهی ایران در ردیف لیگ‌های آماتور قرار گیرد.

با این وجود مسئولان سازمان لیگ بر این باورند مسابقات باشگاهی ایران در سطح ایده آل برگزار می‌شود و به همین دلیل با استانداردهای روز دنیا همخوانی دارد، اما با نگاهی دقیق به حقایق موجود این واقعیت برملا می‌شود که فوتبال باشگاهی ایران همچنان در همان سطح نخست حرفه‌ای گری باقی مانده است و به اصطلاح تنها اعداد پشت پیراهن بازیکنان از فارسی به لاتین تغییر کرده است و سایر موارد همانند دوره‌های قبل در حد لیگ آماتور در حال اجراست.

قهرمان‌های اجاره‌نشین

در قواعد لیگ‌های حرفه ای نخستین عاملی که بیانگر استانداردسازی لیگ‌های اختصاصی تیم‌های شرکت کننده در آن مسابقات است، اما به جرئت می‌توان گفت تنها بخش معدودی از ۱۶ تیم حاضر در مسابقات، ورزشگاه اختصاصی دارند و مابقی در ورزشگاه‌های اجاره‌ای قرار است بازی‌های خود را برگزار کنند. شاید باورش سخت باشد اما باشگاه‌های اول تا سوم دوره قبل هیچ یک ورزشگاه اختصاصی ندارند و همگی در زمره مسأجرهای لیگ برتر قرار دارند.

مربیان بی مدرک

در لیگ حرفه‌ای ایران نیمی از ۱۶ مربی لیگ برتری مدرک معتبر و پروانه‌ایسنس فیفا ندارند. حتی برخی مدرک A آسیا را هم ندارند تا فقر علمی در لیگ برتر ایران کاملاً مشهود باشد. البته که قرار بود در آستانه لیگ بیستم فدراسیون فوتبال با به کارگیری قانون سخت‌گیرانه از حضور افراد بدون مدرک در سطوح مختلف فنی و مدیریتی جلوگیری به عمل آورد، اما این وعده در حد شعار باقی ماند تا لیگ ایران با فقر کامل به اجرا در آید.

بلیشومالی

روشن نبودن صورت وضعیت مالی باشگاه‌های فوتبال و نحوه درامدزایی آن‌ها دیگر حاشیه است که هیچ یک از تیم‌های لیگ برتری به شکل روشن و شفاف آن را به فدراسیون فوتبال و کنفدراسیون فوتبال آسیا ارائه نداده اند. هرچند که مسئولان فدراسیون فوتبال مدعی اند که تیم‌های حاضر در مسابقات از نظر استانداردسازی فیفا و AFC در بهترین حالت ممکن از نظر مالی قرار دارند، اما وضعیت پرونده‌های انضباطی آن‌ها به واسطه شکایت‌های داخلی و خارجی بیانگر این واقعیت است که هیچ یک از باشگاه‌های فوتبال دارای صورت وضعیت مالی روشنی نیستند و از نظر اقتصادی بنگاه‌های ضرره و زیانبار به شمار می‌روند.

لابوشانی سازمان لیگ

مبهم بودن وضعیت درامدزایی سازمان لیگ بابت تبلیغات محیطی مسابقات و اینکه فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ گزارش روشن و قانع کننده ای بابت این فرایند به باشگاه‌ها اعلام نمی کنند از دیگر نکات عجیب لیگ در ایران است. در حالی که برابر استانداردهای موجود فوتبال دنیا مرجع برگزاری لیگ باید وضعیت درامدزایی ناشی از برگزاری مسابقات را به صورت شفاف در اختیار اعضای خود قرار دهد تا سهم هر باشگاه از وضعیت درآمدزایی روشن شود، اما در فوتبال ایران این ماجرا همیشه به دلایلی مبهم باقی مانده است.

حق پخش تلویزیونی

سرنوشت حق پخش تلویزیونی مسابقات نیز همانند ماجرای تبلیغات محیطی به کلاف پیچیده‌ای تبدیل شده است . هر فصل سازمان لیگ پیش از شروع مسابقات رسانه ملی را تهدید می‌کند که اجازه ورود دوربین‌ها را به استادیوم‌ها نخواهد داد، اما در لحظه آخر این تصمیم وتو می‌شود بدون اینکه ریالی دریافتی نصیب فوتبال و باشگاه‌های حاضر در مسابقات شود. در حالی که در تمام دنیا یکی از روش‌های درآمدزایی باشگاه‌ها موضوع حق پخش تلویزیونی مسابقات است.

قراردادهای نجومی حتی با کرونا

از دیگر نکات بحث برانگیز در خصوص برگزاری لیگ برتر می‌توان به رشد بی‌رویه رقم‌های قرارداد بازیکنان بدون هیچ ساختار و اصولی در بیستمین دوره لیگ اشاره کرد. در شرایطی که بسیاری از تیم‌های لیگ برتر درگیر مشکلات اقتصادی و بحران‌های مالی هستند، در آستانه لیگ بیستم قراردادهای بازیکنان، مربیان به شکل سرسام آوری رشد کرد تا حدی که دیگر میلیون در کار نبود، بلکه همه صحبت از میلیارد می‌کردند.

تبعیض‌های سلیقه‌ای

برخوردهای مصلحتی ارکان انضباطی فوتبال هم در ادوار مختلف لیگ برتر یکی از ابهامات بحث برانگیزی است که تاکنون علت و دلیل وقوع آن مشخص نیست، در برخی بازی‌های لیگ برتر یک برگ حرکت و تخلف با تندترین و شدیدترین شکل ممکن برخورد انضباطی می‌شد، اما در موارد مشابه رفتارها متناقض بود. همین داستان در مورد داوری‌ها و سرمودهای لیگ هم صادق بود؛ به‌طوری که تا روز آخر لیگ دعوای داوری تمامی نداشت و مطمئناً آمسال هم ادامه خواهد داشت.

رکوردهایی که می‌توانند شکسته شوند

ورزش: بیستمین دوره از مسابقات لیگ برتر تحت تدابیر خاص پزشکی و بدون حضور تماشاگر از روز جمعه ۱۶ آبان رسماً آغاز خواهد شد. در ۱۹ دوره گذشته این مسابقات ۴۰ تیم از ۱۴ استان تهران، اصفهان، خوزستان، آذربایجان شرقی، قم، گیلان، فارس، کرمان، خراسان رضوی، بوشهر، هرمزگان، کرمانشاه، یزد و لرستان حضور داشته‌اند.

سه استان تهران، اصفهان و خوزستان تنها استان‌هایی بودند که در همه ادوار مسابقات نماینده‌گانی داشتند و پنج تیم استقلال، پرسپولیس، سپاهان، ذوب آهن و سایپا نیز تنها تیم‌هایی هستند که در همه ادوار مسابقات حضور داشته‌اند.

استقلال پر امتیازترین و بیشترین پیروزی

تیم فوتبال استقلال با حضور در هر ۱۹ دوره گذشته مسابقات لیگ برتر ۵۸۲ بار پدر صاحب بیشترین پیروزی و با ۱۰۴۰ امتیاز صاحب بیشترین امتیاز در این مسابقات است. بعد از آبی پوشان تهران، پرسپولیس با همان تعداد بازی و ۲۷۵ پیروزی دومین تیم پر برد و با ۱۰۰۸ امتیاز دومین تیم پر امتیاز مسابقات است. استقلال و پرسپولیس تنها تیم‌هایی هستند که جمع امتیازات شان از عدد ۱۰۰۰ گذشته و نزدیک‌ترین تیم به این دو، سپاهان با ۹۶۰ امتیاز است.

استقلال و بهترین خط حمله و دفاع

آبی پوشان در همه ۱۹ دوره گذشته مسابقات لیگ برتر جمعاً ۸۶۸ گل به ثمر رسانده‌اند که این بیشترین تعداد گلی است که یک تیم در همه ادوار گذشته مسابقات لیگ برتر است از آن‌ها دارای بهترین خط حمله در تاریخ لیگ برتر باشند.

سپاهان با ۸۲۶ و پرسپولیس با ۸۲۳ گل زده به عنوان دومین و سومین خط حمله برتر مسابقات در تعقیب آبی پوشان هستند و نزدیک‌ترین تیم به این سه تیم، ذوب آهن با ۷۰۳ گل است.

آبی پوشان همچنین عنوان بهترین خط دفاعی در تمام ادوار لیگ برتر را هم در اختیار دارند. این تیم نه تنها رکورد کمترین گل خورده در یک فصل با تنها ۱۳ گل در ۳۰ بازی را در اختیار دارد، بلکه با دریافت ۵۳۶ گل در ۵۸۲ بازی و ثبت آمار هر ۹۷ دقیقه یک گل، بهترین عملکرد را در فاز دفاعی داشتند.

پرسپولیس با بیشترین قهرمانی

تیم فوتبال پرسپولیس با ۹ قهرمانی در این مسابقات بیشترین تعداد قهرمانی را دارد و سپاهان با ۵، استقلال با ۳، فولاد با ۲، پاس، سایپا و استقلال خوزستان هر کدام با یک قهرمانی در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند.

بیشترین نایب‌قهرمانی

تیم فوتبال استقلال با ۵ تایب قهرمانی بیشترین عنوان نایب قهرمانی را در اختیار دارد و ذوب آهن با ۴ و تراکتور با ۳ تایب قهرمانی در تعقیب این تیم هستند. پرسپولیس، سپاهان و پاس نیز هر کدام دو بار عنوان نایب قهرمانی لیگ برتر را به خود اختصاص داده‌اند.

کمترین فصل حضور

۶ تیم تاکنون تنها یک فصل در این مسابقات حضور داشته‌اند و بعد از صعود به لیگ برتر، بلافاصله به لیگ یک بازگشته‌اند. آلومینیوم هرمزگان، پیام خراسان، مس سرچشمه، شیرین فراز کرمانشاه، شهید قندی یزد و گهر دورد این ۶ تیم هستند.

گهر دورد به همراه شیرین فراز کرمانشاه با تنها سه پیروزی، کمترین تعداد پیروزی در بین ۴۰ تیمی که حضور در بالاترین سطح مسابقات ایران را تجربه کرده‌اند را دارا هستند.

خودرو سازان و رکورد شکست

تیم فوتبال سایپا یکی از پنج تیمی است که در همه ادوار مسابقات حضور داشته و درمجموع ۵۸۲ بار به میدان رفته است. این تیم تهرانی ۱۹۵ بار شکست را تحمل کرده که این بیشترین تعداد شکست ثبت شده توسط یک تیم در همه ادوار لیگ برتر است. بعد از نارنجی پوشان تهران، دیگر تیم خودرو سرا یعنی پیکان در حالی که در ۱۵ دوره مسابقات حضور داشته و ۴۵۸ بار به میدان رفته، ۱۸۹ شکست تحمل کرده است. ملوان انزلی هم با ۱۴ دوره حضور در لیگ برتر و انجام ۳۴۶ بازی و تحمل ۱۷۰ شکست، سومین تیم پر شکست در ادوار مسابقات لیگ برتر است.

تازه واردها

بیستمین دوره رقابت‌های لیگ برتر نیز شاهد حضور دو تیم جدید است که قرار است برای نخستین بار در تاریخ این مسابقات حضور داشته باشند. آلومینیوم اراک و مس رفسنجان که به تازگی از لیگ یک به لیگ برتر راه یافته‌اند، در حالی بیستم برای اولین بار در بالاترین سطح فوتبال ایران حضور خواهند داشت.

برنامه هفته اول

جمعه ۱۶ آبان

سایپا-پرسپولیس/ ۱۶:۳۰

ذوب آهن - فولاد/ ۱۶:۳۰

آلومینیوم اراک - نساجی مازندران/ ۱۶:۴۰

تراکتور- نفت مسجدسلیمان/ ۱۶:۴۵

شنبه ۱۷ آبان

شهر خودرو - ماشین‌سازی‌تبریز /۱۵:۵۰

گل گهرسیرجان - سپاهان/ ۱۶:۳۰

استقلال - مس رفسنجان/ ۱۶:۳۰

صنعت نفت آبادان -پیکان/ ۱۶:۴۵

غیبت احتمالی دیاباته در نخستین بازی

ورزش: احتمالاً شیخ دیاباته در نخستین بازی استقلال روی نیمکت خواهد نشست؛ به این خاطر که به تازگی به تعریمات تیم آبی ملحق شده است. دو گزینه محمود فکری برای حضور در ترکیب خط حمله امیر ارسلان مطهری و مهدی قایدی هستند.

دو مهاجمی که در بازی‌های دوستانه در کنار هم به میدان رفتند و شرایط روحی و روانی و فنی خوبی دارند. در زمان استراماچونی زوج مهدی قایدی و شیخ دیاباته به زوج امیر ارسلان مطهری با یکی از این دو مهاجم ترجیح داده شد.

در آستانه شروع لیگ؛ خبری از بوژیدار نیست

ورزش: بوژیدار رادوسوویچ دروازه بان کروات پرسپولیس که بعد از پایان لیگ قهرمانان آسیا راهی کشورش شده بود، همچنان به تهران بازنگشته است. این در حالی است که این گلر کروات روز گذشته در پیامی اینستاگرامی مدعی شد به زودی و بعد از حل مشکلاتش با مدیران تیم در خصوص مطالباتش به ایران برمی گردد.

اکنون پرسپولیس در آستانه بازی هفته اول در فصل بیستم مقابل سایپا، بدون گلر شماره دو و با حضور حامد لک به مصاف حریف خواهد رفت.

۱۶ تیم در پایتخت برای یک جام می جنگند

استارت لیگ بسکتبال در آزادی

ورزش: با اینکه در ماه‌های اخیر ابهام‌های زیادی درباره چگونگی برگزاری لیگ برتر بسکتبال وجود داشت، سرانجام با تصمیم فدراسیون مسابقات در دو گروه قرعه‌کشی شد تا به صورت متمرکز و به میزبانی پایتخت از امروز استارت بخورد.

گروه‌بندی

لیگ سال ۹۸ قهرمانی نداشت و فدراسیون برای جلوگیری از نیمه تمام ماندن دوباره مسابقات و حواشی احتمالی تصمیم گرفته رقابت‌ها را در چند مرحله و به صورت متمرکز برگزار کند؛ اگرچه مسئولیت فرنطینه تیم‌ها با خودشان است. بعد از انجام قرعه‌کشی ۱۶ تیم حاضر در مسابقات در دو گروه به شکل زیر تقسیم شدند:

گروه الف: شهرداری گرگان، نفت آبادان، اوژه صنعت مشهد، اکسون تهران، رعد یدافند هوایی مشهد، شهرداری قزوین، آفتاب (اگرس اهواز)، مس رفسنجان

گروه ب: شمیدر قم، مهرام تهران، شهرداری بندرعباس، ذوب آهن اصفهان، مس کرمان، کوچین آمل (جوانان ۲۰۲۰)، اینده سازان تهران، نیروی زمینی

مدعیان همیشگی

بدون شک می‌توان به جای خالی پتروشیمی بندرامام اشاره کرد که در سال‌های اخیر همواره جزو تیم‌های مدعی لیگ بوده، اما امسال از مسابقات انصراف داده است. با توجه به نوع بارگیری‌ها، تیم‌هایی همچون شمیدر، مهرام، شهرداری گرگان و نفت آبادان را می‌توان جزو تیم‌های مدعی این فصل از مسابقات دانست.

دربی مشهد

این فصل اما جزو معدود فصولی است که مشهدی‌ها با دو تیم در مسابقات شرکت می‌کنند و جالب اینکه هر دو تیم مشهدی در یک گروه قرار دارند و باید شاهد دربی مشهد در دو دیدار باشیم. اوژه صنعت که در فصل قبل عملکرد قابل قبولی داشت و تحسین هواداران را برانگیخت برای این فصل با همان سرمربی خارجی و البته تغییراتی در ترکیب اصلی پا به میدان می‌گذارد. این تیم قطعاً تجربه بهتری نسبت به رعد یدافند دارد. با این حال ناشناخته بودن یدافند مشهد به طور حتم برگ برنده این تیم در نبرد با تیم

نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۱ کدام فیلم خواهد بود؟

«خورشید» مجیدی یا «درخت» مهدویان؟

اسیما و سینما/ زهره کهندل فیلم سینمایی «درخت گردو» که آخرین ساخته محمدحسین مهدویان است و برای نخستین بار در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر روی پرده رفت، برای اکران سینمایی راهی کردستان شد و این هفته در پردیس سینمایی بهمن سنندج به نمایش درآمد. «درخت گردو» با این اکران می‌تواند یکی از بخت‌های سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۱ باشد. انتخاب نماینده سینمای کشورمان برای حضور در جشنواره اسکار، همواره یکی از دغدغه‌های سینما در فصل پاییز است. سینمایی که امسال حال خوبی ندارد و به واسطه شیوع کرونا دوران رکود را سپری می‌کند، شاید انتخاب نماینده‌ای شایسته برای حضور در اسکار و موفقیت آن در سینمای بین‌الملل بتواند رخوت سینمای ایران پس از شیوع بیماری کرونا را کم کند. باید منتظر ماند و دید مسئولان سینمایی در آذرماه کدام فیلم را به نمایندگی از سینمای ایران به اسکار ۲۰۲۱ معرفی می‌کنند. سینمای کشور سال غم‌انگیزی را پشت سر گذاشته و شاید حضور یک نماینده قدرتمند در اسکار بتواند کمی امید به این هنر ورشکسته بدهد.
براساس قانون اسکار تنها آثاری می‌توانند در این مراسم حضور یابند که در کشور خود یا کشورهای دیگر طعم اکران عمومی را چشیده باشند. در صورت اکران فیلم سینمایی «خورشید» و «درخت گردو» که این هفته اکران سینمایی داشته، دو گزینه محتمل برای حضور در اسکار سال میلادی جدید هستند.
به بهانه اکران فیلم سینمایی «درخت گردو» که آخرین ساخته محمدحسین مهدویان است، با چند منتقد سینمایی درباره بخت راهیابی این فیلم به اسکار ۲۰۲۱ گفت و گو کردیم.

اهمیت پخش بین‌المللی

کیوان کثیریان، منتقد سینما، در این‌باره به خبرنگار ما می‌گوید: با وجود اینکه نام چند فیلم به عنوان گزینه‌های نمایندگی سینمای ایران برای اسکار مطرح است، اما رقابت اصلی بین «درخت گردو» و «خورشید» است، ولی هنوز افرادی برای شورای انتخاب معرفی فیلم به اسکار ۲۰۲۱ معرفی نشده‌اند.
وی با اشاره به تجربه سال گذشته برای معرفی نماینده سینمای ایران به اسکار، خاطرنشان می‌کند: با توجه به اتفاقی که سال گذشته افتاد، روال انتخاب چندان مشخص نیست. پیشتر می‌شد حدس زد، چون براساس اصول مشخص انتخاب‌های درستی انجام می‌شد، ولی انتخاب سال گذشته معادلات را به هم زد و دوستان اشتباه‌هایی کردند که شکل ماجرا عوض شد. فکر می‌کنم امسال هر گروهی به عنوان شورای انتخاب بیاید، فیلم خورشید را انتخاب می‌کند.
وی توضیح می‌دهد: در انتخاب فیلم برای معرفی به اسکار، چندان به محتوای اثر دقت نمی‌شود. بخشی از دلایل انتخاب معطوف به این است که کدام فیلم ایرانی توانسته در ماه‌های اخیر نظر جشنواره‌های خارجی را جلب کند. با توجه به اینکه «درخت گردو» حضور در جشنواره‌های خارجی را تجربه نکرده و «خورشید» در جشنواره ونیز حضور داشته؛ بنابراین بخت این فیلم برای انتخاب بیشتر است. ضمن اینکه آثار آقای مجیدی معمولاً برای نمایندگی سینمای ایران در اسکار انتخاب شده‌اند. فیلم خورشید برای پخش بین‌المللی اقدام کرده است و اسم مجید مجیدی پای کار است.
وی با بیان اینکه سابقه حضور فیلم‌های مجید مجیدی در اسکار روی این انتخاب تأثیرگذار است، یادآور می‌شود: سال گذشته ما برای هیچ فیلمی شانسی در اسکار نداشتیم، ولی با توجه به اینکه هم فیلم آقای میرکریمی جوایز بین‌المللی گرفته بود و هم فیلم سعید روستایی، یکی از این دو باید انتخاب می‌شدند و به نظر می‌آمد منطقی‌تر فیلم آقای میرکریمی بود، ولی هیچ‌کدام انتخاب نشدند و فیلم دیگری به اسکار رفت.
وی می‌گوید: در اسکار ۲۰۲۱ هم شانس زیادی نداریم، اما نمی‌شود آینده را پیش‌بینی کرد. فیلم‌هایی مثل «خورشید» و «درخت گردو» فیلم‌هایی نیستند که در گزینش نهایی اسکار حضور داشته باشند، ولی ما باید نماینده خودمان را معرفی کنیم.
کثیریان اضافه می‌کند: سرمایه سینمای امسال ما همچون سال‌های پیش، سرمایه‌ای قوی نیست، ولی در هر صورت باید بهترین فیلممان را به اسکار معرفی کنیم.
وی گزینه‌های احتمالی دیگر همچون «جنایت بی‌دقت» و «دشت خاموش» را خارج از گردونه انتخاب نهایی شورای داخلی دانسته و می‌گوید: امسال بسیاری از فیلم‌ها اکران نشدند و عملاً رقبای دیگری برای «خورشید» و «درخت گردو» وجود ندارد. ضمن اینکه انتخاب فیلم برای اسکار، یک انتخاب دولتی است و سازمان سینمایی نظرش را اعمال می‌کند.

وی درباره اینکه فیلم درخت گردو در کارنامه کاری مهدویان یک قدم رو به جلو محسوب می‌شود یا نه، پاسخ می‌دهد: مهدویان در کارگردانی پیشرفت داشته و کارنامه قابل‌توجهی را در چند فیلمش از خودش به جا گذاشته، ولی بهترین فیلم او «ایستاده در غبار» است.
کثیریان می‌افزاید: مهدویان به لحاظ کارگردانی پیشرفت‌هایی داشته‌است و «ماجرای نیمروز ۱» فیلم خوبی است. اگرچه برخی فیلم‌هایش مشکلاتی دارد، ولی به لحاظ کارگردانی و سبکی که برای خودش انتخاب کرده، در رده اول کارگردانان سینمای ایران قرار گرفته است.
این منتقد سینما، آخرین ساخته مهدویان را فیلم خوبی ارزیابی کرده و می‌گوید: «درخت گردو» بهترین فیلم این کارگردان نیست، با اینکه انتخاب پیمان معادی به عنوان بازیگر اصلی، انتخاب درستی بود.
وی اظهار می‌کند: با توجه به اینکه امسال شکل اکران در تمام دنیا ناقص بوده و فیلم‌هایی اکران نشدند که می‌توانستند رقابت اسکار را پر و پیمان‌تر کنند، سال خوبی برای اسکار نخواهد بود. بسیاری از کشورها هم احتمالاً یک فیلم را برای رفع تکلیف به این جشنواره جهانی معرفی می‌کنند.

اندکی فاصله با روایت رسمی

امیررضا مافی، دیگر منتقدسینما، درباره اینکه بین فیلم «درخت گردو» و «خورشید» کدام یک شایستگی بیشتری برای نمایندگی سینمای ایران در جشنواره اسکار را دارند، به خبرنگار ما می‌گوید: هر دو این فیلم‌ها دارای ویژگی‌های مثبت و منفی هستند. فیلم خورشید پخش بین‌المللی داشته و در جشنواره ونیز دیده شده است، به جشنواره‌های خارجی دیگر دعوت شده و مورد توجه منتقدان بوده است. ضمن اینکه به یک مسئله انسانی می‌پردازد؛ چرا که سینمای مجیدی در جهان با پرداختن به مسائل انسانی شناخته شده است.
وی ادامه می‌دهد: اما ضعفش این است که سینمای جهان نسبت به فیلم‌های مجیدی به جز فیلم «بچه‌های آسمان» واکنش مثبت و توجه جدی نداشته و همیشه در حد فیلم‌های متوسط به آثار این کارگردان نگاه کرده است.
وی درباره ویژگی‌های مثبت فیلم «درخت گردو» ساخته مهدویان، عنوان می‌کند: این فیلم یک بازیگر بین‌المللی به نام پیمان معادی دارد و جنایت بزرگ بمباران شیمیایی سردشت را روایت می‌کند که از این جهت فیلم مهمی است. برای ما هم مهم است، چون به جهان نشان می‌دهد که صدام چه فاجعه‌ای را برای مردم کشورمان رقم زد، اما رویکرد مهدویان در این فیلم با روایت رسمی نسبت به جنگ متفاوت است. نکته مهم و مثبت فیلم این است که زیست فاجعه را نشان می‌دهد، اما نکته منفی اینکه روایت فیلم با روایت رسمی، اندکی فاصله دارد.
وی می‌گوید: با وجود اینکه این فیلم یک بازیگر شناخته‌شده جهانی دارد، اما پخش جهانی نداشته که جزو ضعف‌های آن به شمار می‌رود، چون فیلم‌هایی که پخش جهانی ندارند، نسبت به فیلم‌هایی با پخش جهانی، با اقبال کمتری مواجه می‌شوند. از این منظر هر دو فیلم دارای ویژگی‌های مثبت و منفی هستند و باید دید کدام یک انتخاب می‌شوند.
مافی یادآور می‌شود: احتمال انتخاب فیلم «خورشید» بیشتر است، چون رویکرد و موضعی که آقای مجیدی در جشنواره ونیز داشت، ممکن است روی نظر هیئت‌انتخاب اثرگذار باشد.
وی با بیان اینکه هر دو فیلم، اقبالی برای بردن جوایز اسکار در بخش خارجی را ندارند، عنوان می‌کند: بعید می‌دانم که نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۱ حتی جزو پنج فیلم اول باشد، ولی احتمالاً جزو ۲۰ فهرست اولیه خواهد بود، اما جایی در فهرست نهایی نداریم. از این منظر فرقی ندارد «درخت گردو» به اسکار برود یا «خورشید» چون هیچ‌کدام فیلم‌های کاملی نیستند و ضعف‌هایی دارند. مافی درباره احتمال انتخاب فیلم دیگری به جز این دو فیلم، اظهار می‌کند: انتخاب متفاوت سال پیش خیلی محافظه‌کارانه بود و یک فیلم مستند را برای معرفی به اسکار انتخاب کردند تا درباره انتخابشان پاسخگو نباشند. بعید می‌دانم امسال چنین انتخابی را داشته باشند، چون به فشار و هزینه‌ای که سال گذشته برایشان ایجاد کرد، نمی‌ارزد.

فرصتی برای معرفی سینمای ایران

جبار آذین، منتقد سینما و تلویزیون نیز درباره بخت آخرین ساخته مهدویان برای معرفی به اسکار، به خبرنگار ما می‌گوید: در میان تولیدات جدید سینمای ایران، فیلم مهدویان جزو آثاری است که به لحاظ ساختار و محتوا با تولیدات رایج سینمای ایران متفاوت است، چون نگاه انسانی و ارزشی به مسئله جنگ تحمیلی دارد و ممکن است مورد توجه هنرمندان جهان و داوران جشنواره‌های سینمایی قرار بگیرد.
وی با اشاره به محدودیت‌هایی که کرونا در برگزاری جشنواره‌های جهانی به وجود آورده است، خاطرنشان می‌کند: با اوضاعی که پدید آمده، سینماگران و آثار سینمایی جهان در یک حالت تعلیق قرار دارند و امکان حضور در جشنواره‌ای همچون اسکار می‌تواند انعکاس‌دهنده فرهنگ و منش جامعه ایران به مردم جهان باشد.
وی ادامه می‌دهد: اینکه فیلم «درخت گردو» بتواند در چنین جشنواره‌ای عرض‌اندام کند بعید است؛ چرا که سرمایه‌گذاران و مجریان جشنواره اسکار بیش از فرهنگ به سیاست و تجارت می‌اندیشند. در واقع اگر یک اثر سینمایی همسو و منطبق با سیاست‌های آن‌ها نباشد، دیده نمی‌شود. اینکه فیلمی ایرانی صرف‌نظر از مسائل سیاسی بتواند در اسکار جایزه بگیرد، دور از ذهن است.
آذین با بیان اینکه انتخاب‌های اسکار معمولاً انتخاب‌هایی سیاسی است، یادآور می‌شود: اگر ملاک صرفاً تکنیک، فرم و پردازش هنری باشد، آثار سینمایی هالیوود در سینمای جهان سرآمد هستند، ولی اگر مضمون ملاک انتخاب باشد، نگاه سیاسی غالب می‌شود. به نظرم همین که فیلم مهدویان یا مجیدی به اسکار برود موجب معرفی ظرفیت‌های سینمای ایران به جهان می‌شود، چه دست پر و چه دست خالی از اسکار برگردند.
این منتقد سینما درباره اینکه بخت فیلم «خورشید» برای معرفی به اسکار بالاتر است یا «درخت گردو» می‌گوید: با توجه به مضمون و محتوای ویژه فیلم خورشید، امکان اینکه این فیلم مورد توجه داوران جشنواره اسکار قرار بگیرد، بیشتر است. ضمن اینکه فیلم در جشنواره‌های خارجی مطرح شده و جوایزی را گرفته است.
آذین با بیان اینکه مضمون این فیلم جهت‌گیری سیاسی ندارد، توضیح می‌دهد: با توجه اینکه نگاه مجیدی به دنیای کودکان، نگاهی لطیف و انسانی است، احتمال دیده‌شدن فیلم خورشید نسبت به فیلم درخت گردو در اسکار بیشتر است.

خبر

«هیس، پسرها گریه نمی‌کنند» کلید می‌خورد

مهر: پوران درخشنده از آغاز فیلم‌برداری «هیس، پسرها گریه نمی‌کنند» در آذر ماه سال جاری خبر داد. پوران درخشنده با اشاره به تولید فیلم سینمایی «هیس، پسرها گریه نمی‌کنند» گفت: در حال حاضر این پروژه در مرحله پیش‌تولید قرار دارد و گروه تولید آرام‌آرام جلو می‌رود. وی بیان کرد: مدتی پیش برای انتخاب برخی از نقش‌ها در «هیس، پسرها گریه نمی‌کنند» فراخوانی را منتشر کردیم که از بین آن‌ها تعدادی را انتخاب کرده که به زودی اسامی آن‌ها اعلام می‌شود. این کارگردان سینما تأکید کرد: در شرایط فعلی و شیوع ویروس کرونا باید دید چه دستورالعمل‌هایی برای ادامه فعالیت در سینما اعلام می‌شود تا ما بدانیم چه کاری باید انجام دهیم. وی توضیح داد: در برنامه ما این است که این پروژه را در آذر ماه جلو دوربین ببریم، اما باید دید شرایط ما را چگونه هدایت می‌کند. کارگردان فیلم سینمایی «هیس، دخترها فریاد نمی‌زنند» بیان کرد: علاوه بر کسانی که از طریق فراخوان برای بازی در «هیس، پسرها گریه نمی‌کنند» انتخاب شده‌اند، با تعدادی از بازیگران حرفه‌ای نیز صحبت کرده‌ایم که هنوز به نتیجه نهایی نرسیده‌ایم.
درخشنده افزود: گفت‌وگوهایی در این زمینه شده که به محض قطعی شدن اسامی بازیگران اعلام می‌شود. این را هم باید مدنظر داشته باشیم که در حال حاضر نزدیک به ۱۸ سریال شبکه نمایش‌خانگی در حال تولید است و اکثر بازیگران را در اختیار گرفته‌اند که این مسئله به سینما لطمه می‌زند.

«علیرضا بذرافشان» کارگردان «خودخواسته» شد

سریالی کمدی با قصه‌ای معمایی

فارس: «علیرضا بذرافشان» کارگردان مجموعه تلویزیونی «خودخواسته» شد که در ژانر کمدی‌معمایی برای تلویزیون تهیه می‌شود. «علیرضا بذرافشان» به تازگی کارگردانی سریال «خودخواسته» را برای تلویزیون به عهده گرفته است.
تاکنون نیمی از این سریال به قلم امیرعلی نبویان و علی دادرس در ژانر کمدی‌معمایی به نگارش درآمده است. این سریال ۳۰ قسمتی برای شبکه یک سیما به نگارش درآمده و تهیه‌کنندگی آن را امیرحسین طالبی‌کاشانی و سعید سالارزهی به عهده دارند. بذرافشان، کارگردانی سریال‌های از سرنوشت، گسل، هفت سنگ، نابرده رنج و ... را برای تلویزیون به عهده داشته است و همچنین طالبی‌کاشانی نیز سریال‌های دنگ و فنگ روزگار، چای نت، جنگ ۷۷ و ... را برای تلویزیون تهیه کرده است.

افزایش ۲۲درصدی مشارکت زنان مستندساز در جشنواره «سینماحقیقت»

سیما وسینما: دبیرخانه چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت»، پذیرای ۱۰۳فیلم مستند به کارگردانی بانوان مستندساز ایرانی شده است. به نقل از روابط عمومی جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت»، دبیرخانه چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت»، پذیرای ۱۰۳فیلم مستند به کارگردانی بانوان مستندساز ایرانی شده که این آمار نشانگر افزایش ۲۲/۶درصدی مشارکت آنان در این رویداد سینمای مستند کشور است. سال گذشته ۸۹ فیلم توسط زنان فیلمساز روی وب‌سایت جشنواره ثبت شده بود و امسال این آمار به ۱۰۳ فیلم رسیده که نشان از افزایش ۲۲.۶ درصدی حضور بانوان مستندساز در «سینماحقیقت» دارد. براساس آمار دبیرخانه جشنواره، ۷۹۱ کارگردان مرد نیز متقاضی حضور در بخش‌های ملی چهاردهمین دوره جشنواره «سینماحقیقت» شده‌اند. به این ترتیب، درصد مشارکت زنان فیلمساز نسبت به مردان، ۱۱/۵ درصد به ۸۸/۵درصد است. اسامی فیلم‌های منتخب بخش «مسابقه ملی» چهاردهمین جشنواره «سینماحقیقت» در سه گروه مستندهای کوتاه (تا ۴۰ دقیقه)، نیمه‌بلند (۴۰ تا ۷۰ دقیقه) و بلند (بالای ۷۰ دقیقه)، تا اواخر آبان ماه اعلام خواهد شد. مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سازمان امور سینمایی کشور، چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» را به دبیری محمد حمیدی‌مقدم، در آذر ماه ۱۳۹۹ و با توجه به شیوع جهانی بیماری کووید ۱۹ به صورت مجازی و نمایش برخط (آنلاین) برگزار خواهد کرد.

«آبادان یازده ۶۰» روی فرکانس جشنواره فیلم مقاومت

خبرگزاری جوان: فیلم سینمایی «آبادان یازده ۶۰» برای حضور در بخش «مسابقه اصلی» شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت ثبت‌نام کرد. فیلم سینمایی «آبادان یازده ۶۰» به کارگردانی مهرداد خوشبخت، نویسندگی مهرداد خوشبخت و حسین تراب‌نژاد و تهیه‌کنندگی حسن کلامی، محصول سال ۱۳۹۸ است که برای حضور در بخش «مسابقه اصلی» شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت ثبت‌نام کرده است.
این فیلم در بخش سودای سیمرغ سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت و برنده سیمرغ بلورین جایزه ویژه قاسم سلیمانی در این جشنواره شد. «آبادان یازده ۶۰» داستانی متفاوت از ایستادگی مردم آبادان در برابر دشمن در دوران دفاع‌مقدس است و به نقش مهم رسانه به عنوان پل ارتباطی جامعه و جبهه در دوران جنگ اشاره دارد. این فیلم شاید نخستین فیلمی باشد که به اهمیت و نقش مهم رسانه در دوران جنگ، در حفظ امید و روحیه رزمندگان و در نهایت پیروزی جبهه‌ها می‌پردازد و از این حیث می‌توان «آبادان یازده ۶۰» را اثری متمایز در سینمای دفاع‌مقدس دانست.
۶۰/۱۱ فرکانس ماندگار رادیو آبادان در طول سال‌های دفاع مقدس است که اخبار جنگ را برای مردم بازگو می‌کرد. این اثر چهارمین فیلم بلند سینمایی مهرداد خوشبخت پس از «عقاب صحرا»، «صدای پای من» و «جای او دیگر خالی نیست»، با بازی علیرضا کمالی، حسن معجونی، نادر سلیمانی، حمیدرضا محمدی و ویدا جوان است. مرحله دوم شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت یکم تا هفتم آذرماه همزمان با هفته بسیج در بخش‌های «مسابقه اصلی»، «سیدالشهدای مقاومت»، «روایت قلم»، «نقد، پژوهش، تحلیل»، «فیلم به معنای مطلق» و انتخاب برگزیدگان ملی «فیلم‌سازان بسیجی» به دبیری مهدی عظیمی‌میرآبادی برگزار می‌شود.

تلویزیون

علی مسعودی از آخرین وضعیت سریال نوروزی‌اش در سایه کرونا می‌گوید

تنها هدفم شادی مردم است

سیما وسینما: علی مسعودی، کارگردان سریال «نوروز رنگی» با اشاره به آغاز تصویربرداری این مجموعه نوروزی از ۲۲ روز پیش در مشهد، از ابتلای یکی از بازیگران سریال به کرونا و تست منفی دیگر عوامل خبر داد.
علی مسعودی، کارگردان سریال «نوروز رنگی» که برای پخش در نوروز ۱۴۰۰ در دست تولید قرار دارد، درباره آخرین وضعیت پیشرفت تولید این سریال به خبرنگار مهر بیان کرد: «نوروز رنگی» ۲۲ روز است کلید خورده و ما این روزها در مشهد در حال کار هستیم.
وی درباره کار در شرایط تشدید شیوع ویروس کرونا هم توضیح داد: بانک‌ها و سایر مشاغل ضروری هم سر کار می‌روند و زندگی باید جریان داشته باشد. اگر دولت قبول کند ماهیانه چند میلیون به مردم بدهد، مردم هم در خانه‌های خود می‌نشینند و مراقب سلامتی خود خواهند بود.
کارگردان «نوروز رنگی» درباره رعایت پروتکل‌های بهداشتی در پروژه و ابتلای بازیگران به کرونا، بیان کرد: ما سعی می‌کنیم روند تولید پروژه با رعایت همه پروتکل‌ها باشد، با این حال باز هم ممکن است فردی مبتلا شود. متأسفانه رابعه اسکویی مبتلا به کرونا شده که خفیف است و پس از آن هم به سرعت از تمام گروه تست گرفتیم و خدا را شکر تست‌ها منفی بود.
مسعودی درباره تأثیر کرونا بر زندگی روزمره مردم هم عنوان کرد: کرونا تمام دنیا را به نوعی تحت تأثیر قرار داده و این روزها مرگ از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است، اما عجیب است که برخی از انسانیت فاصله گرفته‌اند. عده‌ای هر کاری می‌کنند تا پول دربیاورند و بی‌شرافت‌ترین آن‌ها کسانی هستند که با احتکار دارو و مایحتاج زندگی و سلامتی مردم می‌خواهند پول دربیاورند.
کارگردان «نوروز رنگی» در ادامه درباره قصه این سریال بیان کرد: قصه در سال ۶۶ است و روابط انسانی را نمایش می‌دهیم. در زمانی که همسایه‌ها با هم خوب و صمیمی بوده‌اند و به هم اطمینان داشته‌اند سعی کردم این سریال یادآوری از سی و چند سال پیش باشد که با وجود شرایط سخت جنگی، چگونه زندگی می‌کردیم.
ما آن زمان فقط با عراق جنگ نداشتیم، همه کشورها به عراق کمک می‌کردند و در شرایطی بودیم که فقط مردم ایران یکدیگر را داشتند.
مسعودی به حضور بازیگران جدید در سریال اشاره و بیان کرد: گفت‌وگوهایی با یوسف تیموری و رضا شفیعی‌جم داشته‌ایم و شاید این دو هم نقش‌هایی در این سریال داشته باشند.
وی درباره تصویربرداری در مشهد و حضور بازیگران بومی نیز گفت: دغدغه من فرصت دادن به جوان‌هاست. چند نفرشان تئاتری‌های مشهد هستند و ترجیح می‌دهم استعدادهای جدیدی را در سریال ببینیم.
مسعودی در پایان درباره اینکه این سریال چقدر می‌تواند جذاب و موقعیت‌های طنازانه داشته باشد، اظهار کرد: من متن را دلی می‌نویسم و تنها هدفم شاد کردن مردم است.
چند سکانسی که تدوین شده را هم برخی دیده‌اند و گفته‌اند خوب شده است. با این حال من نباید از کارم تعریف کنم و فقط می‌توانم بگویم سعی کردم مردم در این شرایط سخت اقتصادی و با وجود مشکلات روحی و روانی، شاد باشند.
رابعه اسکویی، بازیگر سریال «هشت‌آباد» (نوروز رنگی) نیز درباره ابتلای خود به کرونا در حین ساخت سریال به خبرگزاری ایسنا گفته است: چند روزی است که کرونا گرفته و به گفته خودش خوشبختانه از نوع خفیف آن است. او اکنون در هتلی در مشهد ـ شهر محل تصویربرداری سریال ـ روزهای قرنطینه و بیماری را می‌گذراند.
وی درباره حضور بازیگران در پروژه‌های تلویزیونی در شرایط کرونا، به ایسنا گفته است: هر هفته سر پروژه‌ها از ما تست می‌گیرند. این نوعی بیماری است که چندان نمی‌توان کاری کرد. هر چقدر هم رعایت کنیم به دلیل همه‌گیر بودنش امکان ابتلا وجود دارد و کار خاصی نمی‌توان انجام داد.

تلویزیون

«سپیده خداوردی» در نقش همسر مجید شهریاری

آخرین خبرها از وضعیت سریال «شهید شهریاری»

فارس: تهیه‌کننده سریال «شهید شهریاری» گفت: به تازگی «سپیده خداوردی» برای ایفای نقش همسر «شهید شهریاری» انتخاب شده است.
«مصطفی علمی‌فرد» تهیه‌کننده سریال «شهید شهریاری» گفت: تقریباً نزدیک به ۳۰۰ دقیقه از سریال را مقابل دوربین بردیم و حدود دو هفته است که از زنجان به تهران آمدیم و در شهرک سینمایی غزالی مشغول به کار هستیم و بخش‌های مربوط به دهه ۶۰ و ۷۰ را ضبط می‌کنیم.
وی ادامه داد: بخش‌های مربوط به زنجان که برمی‌گشت به کودکی، نوجوانی و بخشی از جوانی شهید شهریاری به پایان رسید و هفته آینده نیز تصویربرداری در دانشگاه شهید بهشتی را آغاز خواهیم کرد و یک ماه در آنجا مشغول خواهیم بود.
علمی‌فرد با اشاره به تصویربرداری در شهرهای دیگر ایران نیز گفت: به این دلیل که فیلم‌نامه در حال بازنویسی است، هنوز شهر مورد نظر مشخص نیست، اما قطعاً دو یا سه شهر دیگر مثل شیراز و ... نیز از لوکیشن‌های ما خواهند بود.
این تهیه‌کننده همچنین افزود: در دو روز آینده مهران رجبی، افسانه ناصری و اغلب بازیگران زنجان بازی‌شان به پایان می‌رسد و اردشیر رستمی، شهرام عبدلی و سیروس همتی که تا دهه ۸۰ در سریال حضور دارند، هنوز بازی‌شان تمام نشده است.
وی درباره بازیگران جدیدی که قرار است در این سریال بازی کنند، بیان کرد: تعدادی بازیگران جدید داریم که قرار است به سریال افزوده شوند و بازی‌شان به زودی شروع می‌شود. سپیده خداوردی در نقش خانم دکتر قاسمی، همسر شهید شهریاری و کاوه خداشناس نقش شهید شهریاری را بازی می‌کنند که هنوز بازی‌شان شروع نشده است.
این تهیه‌کننده درباره اینکه آیا برای انتخاب بازیگر نقش شهید و همسرشان با خانواده این شهید مشورت کردید و تأییدیه گرفتید، گفت: بله، این کار را کردیم ، اما نکته مهمی که وجود داشت این بود که این بازیگران بیشتر در نقش‌های مثبت بازی کرده باشند. علاوه بر این نزدیکی چهره، نوع بازی و البته رضایت همسر شهید نیز برایمان مهم بود که با توافق همدیگر توانستیم به این جمع‌بندی برسیم.
وی درباره قطعی شدن نام این سریال نیز بیان کرد: تا به حال نام‌های «میراث مجید» و «صبح آخرین روز» به طور موقت روی سریال گذاشته شده است، اما هنوز نام قطعی آن مشخص نیست و ترجیحمان بر این است که سریال «شهید شهریاری» نام برده شود.
نقش شهید شهریاری در این سریال در پنج برهه به تصویر کشیده می‌شود و به همین دلیل پنج بازیگر مختلف در قالب این نقش قرار گرفته‌اند. سن ۵، ۸، ۱۳، ۱۸ و ۲۳سالگی تا ۴۶سالگی هر کدام بازیگران مجزایی دارند. فرحان فرحناک، بازیگر این نقش از سن ۱۸ تا ۲۳ ساله است و کاوه خداشناس نقش پس از ۲۳سالگی را ایفا می‌کند. همچنین بازیگران کودک، خردسال و نوجوان نیز از بومی‌های چهارمحال و بختیاری، قم و تهران انتخاب شده‌اند.
بنا بر این گزارش، این سریال در ۳۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای روی آنتن خواهد رفت و داستان آن از صبح روز ترور شهید شهریاری آغاز شده و به گذشته برمی‌گردد و ۴۶ سال زندگی او را روایت می‌کند.
شهید دکتر مجید شهریاری، استاد دانشگاه شهید بهشتی و از دانشمندان هسته‌ای ایران بود که در سال ۱۳۴۵ در زنجان متولد شد و در هشتم آذر ۱۳۸۹ توسط رژیم صهیونیستی و با همکاری اطلاعاتی منافقین در یک عملیات تروریستی به شهادت رسید.
مهران رجبی، زهرا سعیدی، میرطاهر مظلومی، اتابک نادری، سیروس همتی، حسن اسدی و بازیگران بومی زنجان، در این سریال به ایفای نقش پرداختند.
در این سریال اردشیر رستمی؛ پدر شهید شهریاری، شهرام عبدلی؛ دایی شهید، سیروس همتی؛ برادر شهید و مهران رجبی؛ در نقش مش‌باقر پدربزرگ شهید شهریاری را بازی می‌کنند.
حسین تبریزی؛ کارگردانی این سریال را به عهده دارد. نویسندگان حسن عطارها و فاطمه حیدری هستند و با مشارکت سازمان انرژی اتمی و استانداری زنجان تولید می‌شود.